

اردو مثنویان: ہندوستانی قصص

گوپی چند نارنگ، دہلی: دایرکتز قومی کونسل، برای فروغ اردو زبان،

۲۰۰۱ء، چاپ دوم، ۳۶۴ صفحہ.

کتاب **اردو مثنویان: ہندوستانی قصص** از دکتر گوپی چند نارنگ با قلم "inpage" کہ یکی از فونت‌های مشہور اردو است نوشتہ شدہ است و شکل بسیار خوبی دارد. صفحہ‌آرایی آن معمولی است و طرح جلد، برخلاف کتاب‌هایی کہ در ہندوستان چاپ می‌شود، سادہ و تا حدودی جذاب است. در این کتاب تقریباً تمام قواعد نگارشی مرسوم در نگارشات اردو رعایت شدہ است. البتہ از چند علامت مخصوص کہ فقط در زبان اردو رایج است مثل علامت شروع بیت یا تخلص شاعر در این کتاب استفادہ نشدہ است. نقل قول‌ها داخل گیومہ قرار دارند و ویرگول و دو نقطہ و غیرہ بجا و مناسب مورد استفادہ قرار گرفتہ است. دارای پیشگفتار بودہ و در آن درباره هدف اثر بہ صراحت صحبت شدہ است. فہرست مطالب اجمالی و در عین حال گویایی دارد. بہ دلیل این کہ کتاب بہ موضوع نقد ادبی می‌پردازد، دارای جداول و تصاویر و نقشہ نیست. با توجہ بہ ادبی تحقیقی بودن اثر، در این کار نویسندہ با استفادہ و بہرہ‌گیری از منابع، پی‌نوشت‌ها و خلاصہ‌نویسی داستان‌ها بہ مخاطب برای شناخت شخصیت‌ها، موقعیت‌ها و وقایع از خلال تصویرسازی ذہنی کمک می‌کند.

در این اثر، زبان اکثر مثنوی‌ها ترکیبی از واژگان تخصصی و محلی اردو، ہندی، پنجابی، دکنی، عربی، فارسی و غیرہ است. ہرچند کہ این واژگان کمک بہ فراگیری وسیع‌تر و جامع‌تر زبان و فرہنگ مربوط می‌نماید، ولی بہ خاطر قدمت و بومی بودن اکثر آثار، درک و فہم آن وقت‌گیر است. چنانچہ خود نویسندہ ہم در صفحہ ۷۵ کتاب در مورد داستان «کدم راؤ پدم راؤ» بہ این موضوع اشارہ نمودہ است. لازم بہ توضیح است کہ اصطلاحات ادبی کہ در ادبیات اردو رواج دارد، بہ خوبی توسط نویسندہ رعایت شدہ است. مثلاً در صفحہ ۱۴۶ چند اصطلاح را بہ خوبی برای تفہیم مطلب بہ خوانندہ مورد استفادہ قرار دادہ است: مثنوی کا قصہ مختصر اور دلچسپ ہے۔

کردار نگاری کے اعتبار سے مثنوی خاصی دلچسپ ہے، لیکن میر کا «شعر شورا نگیز» والا انداز اس میں نہیں ملتا۔ حالانکہ کہ کہانی کا المیہ انجام میر کے مزاج سے پوری مناسبت رکھتا ہے اور اس میں درد انگیز اور پر تاثیر اشعار نکالنے کے بڑے مواقع تھے۔

در عبارت بالا، واژه‌های «قصه»، «کردار نگاری»، «کہانی» و «المیہ» حاوی مفاهیم اصطلاحی نقد ادبی در اردو هستند کہ نویسنده صدها اصطلاح از این دست را با مهارت و کاملاً بجا در این اثر به کار برده است.

با توجه به اینکه این کتاب از نوع تاریخی-تحقیقی است، برای تدریس باید پیش‌زمینه تاریخی و فرهنگی این مثنوی‌ها مطالعه و بررسی شود. آگاهی از شرایط زمانی و مکانی با توجه به هر داستان به درک بیشتر دانشجو کمک می‌کند. البته در دوره کارشناسی بیشتر به نام‌های این مثنوی‌ها اشاراتی می‌شود و در دوره کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات به تفصیل در مورد آنها تدریس می‌شود. محتوای اثر با عنوان و فهرست آن مطابقت کامل دارد و توقع خواننده با مراجعه به عنوان و فهرست، به خوبی برآورده می‌شود. با توجه به مطابقت اثر با دروسی همچون ادب داستانی و یا نقد ادبی، به خاطر تنوع و دایره لغات زیاد مثنوی‌ها بهتر است کتاب به جای تدریس به صورت مرجع برای دستیابی به اطلاعات جامع‌تر در دسترس قرارگیرد. بی‌تردید در مورد مثنوی‌های اردو و به خصوص درباره مثنوی‌های دوره کلاسیک، کتاب‌های زیادی بعد از نگارش این کتاب به بازار آمده‌اند و هر کدام حاوی اطلاعات مفید و گاه نقدهای بسیار بجایی هستند، اما این کتاب به دلیل تسلط نویسنده به موضوع و مهارت او در ادبیات اردو از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

روش پیشرفت کتاب و شیوه‌ای که نویسنده برای بسط و تفهیم به کار برده از نوع تاریخی-تحقیقی است و بسیاری از منابع ارجاع داده شده کمیاب، قدیمی و به دور از دسترس هستند. البته ناگفته نماند که نوع تحقیق و پژوهش در این کتاب ملزم به استفاده از این منابع است و شاید هر خواننده‌ای نتواند با آن انس بگیرد. البته برای دانشجویان که باید با مبانی ادبیات اردو آشنا شوند، داشتن اطلاعاتی در این سطح لازم است. با توجه به نظر خود نویسنده و مؤلفین دیگر این اثر در زمان خودش یعنی ۱۹۲۳ میلادی دریچه‌ای جدید و کارآمد در تاریخ ادبیات اردو بوده است. دکتر نارنگ برای اولین بار با بررسی و گردآوری مثنوی‌های اردو تأثیر محیط و فرهنگ هندی را بر آن مورد توجه قرار داد که کاری درخور تحسین است.

چنانچہ در مقدمہ کتاب اشارہ شدہ است نویسنده با توجه به زمان بندی تاریخی، مثنوی ها را مورد بررسی قرار داده است و سپس متناسب با موضوع آنها را فهرست بندی نموده است. در بررسی هر مثنوی، پس از معرفی شاعر آن و ارائه اطلاعاتی از دوره سرایش آن، مختصری از قصه را ارائه داده و سپس به بررسی اختلافات نسخ مختلف که نویسنده در اختیار داشته است، پرداخته است. در این اثر نه تنها نویسنده فرصت بازبینی اثر را داشته است بلکه استدراکات، حواشی و معلومات را در کتاب گنجانده است که کار را برای مطالعه بیشتر و دستیابی به مراجع تسهیل می بخشد. نکته مهم این است که تعداد بسیاری از مثنوی های موجود در اردو که از قصه های هندوستانی الهام گرفته اند در این کتاب آورده شده اند، گویی چند نارنگ تا حد بسیاری به اختصار سعی در تفهیم مطالب کار گرفته است.

در این کار تحقیقی تمام منابع و مأخذ با ذکر مشخصات و به صورت دقیق معرفی شده اند و نکته دیگر این است که نویسنده تلاش کرده است از بهترین منابع برای تبیین موارد مورد بحث استفاده کند، اتفاقی که با توجه به سال انتشار کتاب بسیار کم تر در بین نویسندگان و پژوهشگران اردو زبان در شبه قاره مرسوم بوده است. این اثر ادبی با گردآوری و معرفی منابع بیشتر و مستندتر برای تحقیقات بهتر، توسط محقق به دور از هرگونه تعصب علمی مهیا شده است. از آنجا که نویسنده خود هندو مذهب است، اما آنجا که باید در مورد شخصیت های مسلمان توضیح دهد، به دور از هر گونه تعصب، چه سراینده اثر و چه شخصیت ها را به بهترین وجه معرفی کرده است. به عنوان مثال در معرفی: «مثنوی قصه راجا رام اور کول دی» در معرفی شاعر آن می نویسد: «بهار کے قصبہ پھلواری شریف کے ایک بزرگ حضرت آیت اللہ جوہری (۱۸۰۱-۱۷۰۷) نے راجا رام اور کول دی کے مقامی قصے کو نظم کیا تھا۔۔۔ ان کا پورا نام حضرت غلام سرور المعروف بہ شاہ آیت اللہ تھا۔ شاہ محمد مخدوم قدس سرہ کے بیٹے تھے» (۱۵۰-۱۵۱)۔

قصص و حکایات این اثر تحت تأثیر فرهنگ و تمدن مشترک قدیم نوشته شده است، چنانچه علاوه بر قصه های اسلامی، حکایات عامه ی هندی هم در آن موجود است. مفاهیم و واژگان به کار گرفته شده در این منظومه های فکری و فرقه ای گوناگون گاه اشتراکات بسیاری با یکدیگر دارند ولی گاه هریک از این مفاهیم متناسب با متن و فرهنگی که به آن تعلق دارند جایگاه و معنایی متفاوت دارد. در نتیجه می توان آن را یک اثر با فرهنگی متأثر از آیین اسلام و هندویسم در نظر گرفت. البته باید در نظر داشت که بیشتر شاعرانی که قصه های هندی با عقاید هندویسم را به شعر اردو برگردانده اند، مسلمانند و بنابراین با توجه به تعصبات مسلمانان در

سده‌های پیشین، مبانی و اصول دینی و اسلامی را به‌خوبی مورد استفاده قرار داده‌اند. از دیگر سو حتی اگر شاعری مثل پندت دیا شنکر نسیم که قصه‌ی گل‌بکاولی را با نام «گزار نسیم» به شعر اردو سروده است، خود یک هندو است. اما از آنجا که مثنوی برای جامعه لکنئو در قرن نوزدهم میلادی سروده شده است، مبانی اسلامی طبق اعتقادات آن جامعه در این اثر منعکس شده است.